شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
۳شنبه
سال پانزدهم
۱۵ اسفند ۱۴۰۲
۲۴ شعبان ۱۴۴۵
شماره ۴۱۷۲
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد
رطوبت هوا ۷۲٪
۹° ↑ ۲° ↓
صبح ۳ ظهر ۹
عصر ۷ شب ۴

اوقات شرعی مشهد
اذان ظهر ۱۱:۴۲:۵۴ نیمه شب شرعی ۲۳:۰۰:۵۸
غروب آفتاب ۱۷:۳۰:۰۶ اذان صبح فردا ۰۴:۳۰:۲۷
اذان مغرب ۱۷:۴۸:۲۲ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۴:۱۹

کارتون شهر

مجید ادیبی

بدون شرح...

شوخی بی‌شوخی

نامه‌ای به مرکز پژوهش‌های مجلس

درآمدی بر مالیات اتفاقی

طنزپرداز مهدی محمدی

آقای مرکز پژوهش های مجلس، سلام علیکم. امروز همان طورکه داشتم خبرها را می خواندم به صورت اتفاقی دیدم شما گفته اید: در برخی کشورها مالیات بر «درآمدهای اتفاقی» دیده شده که درکشور ما هم این قانون باید اجرا شود و با توسعه سامانه، اجرای این قانون امکان پذیر است. در این مورد ذکر چند نکته را لازم دانستیم که امیدواریم لابه لای پژوهش هایتان به آن ها هم توجه کنید:

اول اینکه شما به عنوان مرکز پژوهش ها با این سرعت خوب اینترنتی که دارید این همه سوژه جالب و عالی برای پژوهش را ول کرده اید رفته اید دنبال سوژه مالیات؟ آن هم پژوهش درباره مالیات بر درآمدهای اتفاقی؟ البته ما هم خیلی ناراحتیم که این همه مالیات بر درآمد و مالیات بر حقوق و دستمزد و مالیات بر ارث و مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر چیزهای مختلف که حتی اسم همه آن ها در این ستون جا نمی شود کفاف هزینه ها را نمی دهد. ما هم می دانیم هر چه بیشتر از ما مالیات بگیرید در ازای آن خدمات و رفاه بیشتری به ما خواهید داد ولی باور کنید ما از همین راه ورسم معمولی هم درآمد آن چنانی نداریم که شما توقع دارید ما درآمد اتفاقی داشته باشیم تا در یک اتفاق خوب درصدی از آن را به عنوان مالیات بدهیم!

واضح تر بگویم. هم اکنون در برهه ای از تاریخ هستیم که بیشتر از اینکه قادر باشیم مالیات بر درآمد اتفاقی پرداخت کنیم، خودمان نیاز داریم کمک هزینه بر خرج های اتفاقی دریافت کنیم. خرج های اتفاقی مثل یک سرماخوردگی ساده، یک خرابی ساده ماشین، یک نشت آب کوچک در سیستم لوله‌کشی خانه‌که باوجود سادگی وکوچک بودنشان به راحتی چند صدهزار تومان از موجودی کارتمان راکاهش می دهند. راستش ما حتی از همین سامانه ای‌که قرار است مالیات اتفاقی دریافت کند هم می ترسیم. نگرانیم پول پیدا کنیم و همچنان که داریم فکر می‌کنیم صاحبش کیست و چطوری به دستش برسانیم، سامانه فکر کند آن درآمد اتفاقی شخص خودمان است و بلافاصله برایمان مالیات بر درآمد اتفاقی ثبت کند.

می ترسیم اگر به خاطر هزینه چند میلیونی ترمیم دندان مجبور شدیم با چندصد هزار تومان آن را بکشیم سامانه آن را درآمد اتفاقی محسوب کند و بابت اینکه پول کمتری می دهیم مجبور شویم بابت این مابه التفاوتی که هزینه نکرده ایم مالیات بدهیم. خلاصه اینکه این روزها آماده هر اتفاقی باشیم، آماده اینکه مالیات بر درآمد اتفاقی پرداخت کنیم، نیستیم.

خلاصه اینکه اگر پژوهش هایی را در اولویت بگذارید که با جیب های پر از خالی ما کاری نداشته باشد از شما سپاسگزار خواهیم بود.

اول شخص

گره گشای راز نهفته درخت

درباره دکتر مهدخت پورخالقی چترودی و اثر پژوهشی او «درخت شاهنامه»، به بهانه روز درخت کاری

نویسنده آزاده چشمه سنگی

از اهالی کرمان است. این پسوند چترودی دنباله نامش هم گواه اصالت اوست. شهریور ۱۳۳۲ که به دنیا آمد و هفت سال بعد نخستین گام های مشتاقش را با ورود به دبستان ایراندخت به دنیای علم‌آموزی گذاشت. شاید هرگز گمان نمی‌کرد ادامه مسیر دانش اندوزی اش به ۹۰۰ کیلومتر دورتر از خانه و خانواده اش بیفتد. اصلا دوران متوسطه را به شوق رشته های پزشکی در رشته طبیعی شرکت‌کرد و خیال هجرت نداشت. اما دست تقدیر و سرنوشت پس از انتخاب رشته، او را روانه مشهد کرد تا با قبولی در رشته زبان و ادبیات فارسی، میهمان دانشگاه فردوسی مشهد کند. مهدخت پورخالقی چترودی بعد از چهارسال کارشناسی را با رتبه ممتاز فارغ التحصیل شد در حالی که پایان نامه او با عنوان «نقد و بررسی صنایع بدیعی دیوان ادیب صابر ترمذی» به راهنمایی شادروان دکتر حمید زرین کوب در سال ۱۳۵۴، مورد تحسین استادان وقت قرارگرفت.

در ادامه، نام مهدخت پورخالقی به عنوان یکی از دو دانشجویی اعلام شدکه شایسته ورود به مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی در رشته زبان و ادبیات فارسی بودند. علم آموزی از محضر استادانی چون غلامحسین یوسفی، فرصت مغتنمی برای بهره مندی از دریای علم پیشکسوتان ادبیات فارسی بود و پایان نامه او در دوره کارشناسی ارشد با عنوان «تجلی شاعرانه اساطیر و اشارات داستانی در مثنوی مولوی» به یاری دکتر غلامحسین یوسفی، او را بار دیگر موفق و سربلند از مقطعی دیگر عبور داد و این بار در سال ۱۳۵۷ با استخدام در اداره آموزش و پرورش، اقامت خود در مشهد را تمدید کرد تا به این ترتیب هرآنچه در طول سالیان تحصیل آموخته بود، به دیگر علم آموزان انتقال دهد.

همکاری او با گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت و در این بین، با قبولی در آزمون دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، از آموزش و پرورش به دانشگاه فردوسی منتقل و مسئولیت بخش مرجع کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی را عهده دار شد. پس از یک سال در معاونت پژوهشی دانشکده به فعالیت خود ادامه داد و تدریس برخی دروس تخصصی به دانشجویان را نیز در کنار دیگر مسئولیت های خود متقبل شد.

اسفند سال ۱۳۷۶ بود که دفاع از پایان نامه دکتری خود را با درجه ممتاز به انجام رساند و تحصیلات آکادمیک خود را در رشته ادبیات فارسی به پایان برد. پایان نامه ای با عنوان «نماد درخت و ارزش های فرهنگی آن در شعر فارسی» که با راهنمایی دکتر محمدجعفر یاحقی به انجام رسید. پژوهشی متمرکز بر اسطوره های ادب فارسی به ویژه شاهنامه فردوسی که با گره‌گشایی از رازهای نهفته و تعبیر و تفسیر دقیق نمادها، درختان مقدس در ادبیات فارسی را به عنوان تاریخ زنده و گویای بشر بررسی و ویژگی های درهم فشرده آن ها را با شیوه ای ژرفاشناسانه تشریح می‌کرد.

او درختان را گاه محور عالم و رابطی میان زمین و آسمان می داندکه به شکلی نمادین، تمامی مراحل و سطوح حیات را در خود خلاصه‌کرده‌اند.

زاویه نگاه بدیع و تازه دکتر پورخالقی به درختان موجود در شاهنامه فردوسی و ارتباط هریک از آن ها با یکی از قهرمانان شاهنامه، با ذکر ابیات شاهد، این اثر را به اثری متفاوت در حوزه تحلیل های ادبی تبدیل کرده است چنان چه مؤلف در مقدمه اثر، از اهمیت بررسی این موضوع می‌گوید: درخت در نمادشناسی اسطوره های جهان، یکی از پیچیده ترین و ناشناخته ترین نمادهاست و در فرهنگ همه ملت های جهان، به خصوص ایران قبل و بعد از اسلام، همواره ارزشی نمادین داشته است. یادمانی تلخ یا شیرین که در طول قرن ها به جا مانده و رفته رفته در پهنه بی انتهای ادب به نمادی گسترده تبدیل شده که سزاوار است با نگاهی فراگیر از دو دیدگاه کالبدشناسی و ژرفاشناختی مورد بررسی قرارگیرد.

دکتر مهدخت پورخالقی چترودی، علاوه بر عضویت در هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، از اعضای هیئت تحریریه فصلنامه های «جستارهای نوین ادبی» و پژوهش نامه «فرهنگ و ادبیات آیینی» و فصلنامه «اجتماعیات در ادب فارسی» نیز بوده است و در نتیجه سال ها فعالیت پژوهشی، شانزده مقاله کنفرانسی و سی مقاله ژورنالیستی در مجلات داخلی نیز در کارنامه علمی او به چشم می خوردکه در این بین، عمده مقالات منتشر شده از او، به موضوعات شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی و اسطوره شناسی متمرکز بوده است.

بریده ای از کتاب «درخت شاهنامه» اثری از دکتر مهدخت پورخالقی

«درختان شعر شاهنامه فقط برای زیباکردن شعر نیامده اند بلکه حاصل ادراک اصیل لحظه های هستی شاعرند.

چنان که درخت شعر او هم نماد دانش و خردورزی، سربلندی، طراوت و شادابی، جوانی و کامرانی، زندگی و حیات جاوید و هستی پایدار، رشد و بالندگی، خیر و برکت، آزادگی، بزرگ منشی، ایستادگی، صلابت و تسلیم ناپذیری است... و این همه را می توان نجیبانه و ملایم از زبان خود درخت و در بیان شاعرانه درخت دانا و سخنگو و دل آرای سرو بلند شعر فارسی شنید و دل به اسرارش سپرد.»

روایت

تجاری شدن اوقات فراغت

سیدمحسن موسوی‌زاده روزنامه نگار

اسفند که به نیمه می رسد، بازار تورهای گردشگری داغ می شود. هرکدام از آن ها سعی دارند تا با ارائه بسته های مختلف سرگرمی و تفریحی افراد را ترغیب به خرید یکی از بسته های خودشان کنند. این بسته ها شامل انواع و اقسام تفریحات شامل انواع پارک های آبی، تجربه غواصی، بازی های هیجانی و بسیاری از موارد دیگر است. به محض اینکه یکی از این بسته ها را انتخاب می کنی، گویی وارد یک مسابقه با آداب و رسوم خاص شده ای که باید آن را تا آخر ادامه دهی. همه چیز از پیش مشخص شده است. روز اول باید سراغ مراکز تفریحی خاص بروی و روز دوم سراغ تفریحات دیگر. این قدر هم زیاد هستند که هرقدر هم وقتت را مدیریت بکنی باز هم انواع تفریحات دیگر باقی می ماند تا تو را ترغیب کند یک دفعه دیگر به آنجا سر بزنی. حالا که سفر تمام شده مانند سالکی که از سفری دور و طولانی وارد دیار خود شده است به میان دوستان، آشنایان و همکارانت می روی و از تفریحات و آداب و رسوم سفر می گویی. این کارت سبب می شود تا افراد دیگری نیز ترغیب شوند تا سیر و سلوکی را که تو در سفرت تجربه کرده ای طی کنند.

در این میان رقابتی عجیب ایجاد می شود. همه احساس می کنند که اگر در سفر از فلان تفریح خاص استفاده نکرده باشند، همتایانشان آن ها را به چشم حقارت می نگرند و به این شکل رقابت مردم بر خرج کردن برای تفریحات مدام بیشتر و بیشتر می شود تا شأن و موقعیت اجتماعی را حفظ کنند.

اما آیا اوقات فراغت چنین است؟ مگر نه این است که اوقات فراغت زمانی برای درنگ کردن و ایجاد آرامش ذهنی است. فرار از آنچه که تو را دچار روزمرگی کرده است.

ما معمولا سعی می کنیم تا با رفتن به سفر خودمان را از روندی تکراری که درگیر آن شده ایم، رها کنیم تا شاید بتوانیم در آن لحظات دوباره خودمان را که در روند روزمرگی زندگی گم کرده ایم، بیابیم. اما صد افسوس که با تجاری شدن اوقات فراغت وضعیت به جایی رسیده است که رفتن به سفرهای تفریحی دیگر فرصتی برای بازیابی خودمان نمی دهند و به مثابه مسابقه دهندگانی شده ایم که در زمان برگشت نتوانسته رکورد مسابقه را در رقابت با دیگران بشکند. تجاری شدن اوقات فراغت سبب شده است تا زمانی که تعطیلات فرا می رسد از یک روند روزمره و تکراری وارد یک روند تکراری دیگری شویم که شاید از نظر ظاهری و شکلی با کار و زندگی روزمره تفاوت داشته باشد، اما از نظر آنکه خود را محکوم در به جا آوردن آداب و رسوم خاصی می کنیم، ما را وارد دور باطلی کرده است.

چه خوب است که برای یک بار هم که شده بیاییم و اوقات فراغت و تفریحات آن را خارج از انواع و اقسام بسته های گردشگری ببینیم و برویم سراغ آنچه را که روحمان طلب می کند تا وزنه هایی را که در طول زندگی روزمره به آن بسته ایم بتواند از خودش جدا کند.

چکامه

درخت برومند چون شد بلند

درخت برومند چون شد بلند ..... گر آید ز گردون برو بر گزند
شود برگ پژمرده و بیخ مست ..... سرش سوی پستی گراید نخست
چو از جایگه بگسلد پای خویش ..... به شاخ نو آیین دهد جای خویش
مراو را سپارد گل و برگ و باغ ..... بهاری به کردار روشن چراغ
اگر شاخ بد خیزد از بیخ نیک ..... تو با شاخ تندی میاغاز ریک
پدر چون به فرزند ماند جهان ..... کند آشکارا برو بر نهان
گر از بفگند فر و نام پدر ..... تو بیگانه خوانش مخوانش پسر
کرا گم شود راه آموزگار ..... سزد گر جفا بیند از روزگار
چنین است رسم سرای کهن ..... سرش هیچ پیدا نبینی ز بن

فردوسی

عکس روز

تو قامت بلند تمنّایی

امروز با نام درخت و درخت کاری در تقویم ملی ایرانیان ثبت شده است و شعری از سیاوش کسرایی، می تواند بهترین انتخاب برای این روز باشد:

تو قامت بلند تمنّایی ای درخت
همواره خفته است در آغوشت آسمان
بالایی ای درخت
دستت پر از ستاره و جانت پر از بهار
زیبایی ای درخت
{...}
سر بر کش ای رمیده که همچون امید ما
با مایی ای یگانه و تنهایی ای درخت

عکس: محمدحسن صلواتی | شهرآرا